

مطالعه جامعه‌شناختی ساختار اقتصادی ایران

در شکل‌گیری فساد^۱

نوع مقاله: پژوهشی

مجتبی قلی‌زاده^۲

میثم موسائی^۳

مصطفی ازکیا^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۶

چکیده

فساد، مسأله‌ای چند بعدی است که نمی‌توان آن را تنها در قالب یک مسأله اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و یا حتی یک مسأله ارزشی و فرهنگی مورد مطالعه و بررسی قرار داد. در طول تاریخ بشری جامعه و دولتی وجود نداشته است که از این پدیده مصون بوده باشد. بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی نیز هرچند داعیه مبارزه با فساد را داشتند، اما پس از گذشت بیش از چهل سال از عمر حکومت، هنوز شواهد و مدارک نشان از فساد گسترده در تمام زمینه‌های جامعه دارد. این مطالعه در صدد است تا با استفاده از روش تاریخی، ساخت اقتصادی و نحوه ترکیب آنها و تأثیرگذاری این ساخت بر فعالیت‌ها و زندگی مردم ایران که در نهایت به شکل‌گیری و استمرار فساد در جامعه می‌انجامد را مورد مطالعه قرار دهد. دستاوردهای این تحقیق نشان می‌دهد دولت برآمده از انقلاب ۵۷ میراث دار ساختار اقتصادی نامتوازی است. تنش‌های سیاسی و بحث‌های ایدئولوژیکی پس از انقلاب مانع از آن شد که به مسائل اقتصادی همچون فساد به‌صورت علمی و مداوم پرداخته شود. سیطره دولت و نفت در اقتصاد ایران پس از انقلاب و سیاست‌گذاری‌های عوام‌گرایانه و مدیریت غیر علمی مانع از سازماندهی مناسبی در زمینه اقتصادی و شکل‌گیری ساخت اقتصادی رانتی شد. بالطبع در یک ساختار اقتصادی رانتی، سخن از یک جامعه سالم و دور از فساد ممکن نیست.

^۱ مقاله فوق مستخرج از رساله دکتری است.

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ایران

mojtaba.g.5515@gmail.com

mousaeei@ut.ac.ir

^۳ استاد تمام دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

^۴ استاد تمام گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، تهران
mostafa_azkia@yahoo.com

کلمات کلیدی: فساد، ساخت اقتصادی رانته، اقتصاد دولتی، اقتصاد نفت، مدیریت عوام گرایانه، بی‌سازمانی اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: A13, A14, B55, F55, K00, K29

مقدمه

فساد مسأله‌های پیچیده، چندبعدی است که تاریخی به درازای شکل‌گیری تمدن بشری دارد و نمی‌توان آن را تنها در قالب یک مسأله اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و یا حتی یک مسأله ارزشی و فرهنگی مورد مطالعه و بررسی قرار داد. این پدیده در نمادهای مختلفی از قبیل رشوه‌خواری، اختلاس، اخاذی، سوءاستفاده از رأی دیگران، بهره‌برداری از منافع متضاد و مشارکت سیاسی نامناسب و... در جامعه ظهور می‌یابد. پیامدهای فساد جدا از جنبه اخلاقی، سبب بروز ناکارآمدی‌هایی در روند توسعه، نارضایتی نسبت به فرایندهای اجتماعی، بحران مشروعیت ساختاری و در نهایت بی‌اعتمادی در سطح جامعه می‌گردد. همه جوامع به‌نوعی با مسأله فساد درگیر هستند؛ جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. امروزه پس از گذشت ۴۰ سال از عمر حکومت جمهوری اسلامی ایران آنچه از شواهد و مدارک پیداست نشان از وجود فساد گسترده در تمام زمینه‌های جامعه دارد. آمارهای سازمان‌های جهانی نیز از وضعیت رقت‌انگیز و نگران‌کننده از حجم گسترده فساد در تمام سطوح جامعه حکایت دارد.

فساد از طرق مختلفی بر اقتصاد و متغیرهای اقتصادی تأثیرگذار است. این پدیده روند و تخصیص منابع را مختل می‌کند. افزون بر این توان دولت را برای وضع مقررات کنترلی و نظارت‌های مورد نیاز برای اصلاح نقایص آن کاهش می‌دهد. همچنین فساد باعث کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود که در پی آن کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد و دولت نمی‌تواند برنامه‌ریزی مالی جامع و درستی داشته باشد (صادقی، ۱۳۸۹). ادامه این روند موجب از بین رفتن انگیزه کارآفرینی می‌شود؛ چرا که افراد توانمند و خلاق در فضایی که فساد زیاد باشد، ترجیح می‌دهند انرژی و توان خود را صرف کارهای خلاف و رانت‌جویی کنند و کمتر به فعالیت‌های سازنده و مؤثر روی آورند (همان). نتیجتاً اینکه بی‌دلیل نیست که بگوئیم فساد و گسترش آن سلامت اجتماعی را به خطر می‌اندازد. پدیده فساد یکی از موانع اصلی توسعه‌یافتگی ایران پس از انقلاب است. در صورتی که راه‌کارها و اقداماتی درخصوص مبارزه با فساد و پیامدهای آن ارائه و اجرا نگردد موجب تقویت این پدیده و ناکامی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خواهیم بود. این امر اهمیت توجه به مطالعه اساسی و بنیادی نسبت به این پدیده را دوچندان می‌نماید. حال این سؤال در ذهن متبادر می‌شود که چرا هنوز هم پس از سالیان متمادی از پرداختن و مطالعه در زمینه فساد هنوز هم این مسأله به‌عنوان یک مسأله اساسی در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به‌شمار می‌رود و نیز عوامل اصلی شکل‌گیری و استمرار این پدیده در اعصار مختلف کدام‌اند تا بر مبنای آن بتوان راه‌کاری را برای رفع این مسأله و پیامدهای آن ارائه داد.

پیشینه نظری تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه شناخت فساد و عوامل مؤثر بر آن و نیز راه‌کارهایی برای مقابله با این پدیده صورت گرفته است. برخی محققین، فساد را ناشی از شرایط نامناسب درآمدی و شرایط فرهنگی و آموزشی کارکنان سازمان‌ها می‌دانند (صمصامی‌فر، ۱۳۹۳؛ طوطیان اصفهانی، ۱۳۸۹؛ مقدم زرنندی، ۱۳۹۱). همچنین مقدم زرنندی اثبات می‌نماید که بین مردم‌سالاری، فردگرایی و جمع‌گرایی با فساد رابطه معناداری وجود دارد (مقدم زرنندی، ۱۳۹۱). زیادلو و مقدم در تحقیقات جداگانه خود نشان می‌دهند که فساد در سازمان دولتی و غیر دولتی از نظر شکل و ماهیت تفاوتی ندارد، بلکه اندازه سازمان و نظام‌های ارزشی و علل نهادی و اجتماعی در شکل‌گیری این پدیده مؤثر هستند (زیادلو، ۱۳۸۴؛ کرراهی مقدم، ۱۳۸۳). نادری فساد را نوعی بیماری و انحراف اجتماعی به حساب می‌آورد و ریشه کنی این پدیده را در سایه امنیت قضایی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و شغلی عنوان می‌کند (نادری، ۱۳۷۹). به عقیده فرخ سرشت، جمهوری اسلامی ایران وارث یک نظام اداری ناکارآمد و توأم با فساد در دستگاه حکومتی و دولتی آن بوده است که بخشی از آن بازمانده از نظام پیشین و بخشی نیز معلول عملکرد غلط و شرایط گریزناپذیر سال‌های پس از انقلاب اسلامی است (فرخ سرشت، ۱۳۸۲). آکرمن^۱ و کرینگتون^۲ معتقدند فساد پدیده‌ای بین‌المللی است و برای کاهش اثرات آن نیاز به هماهنگی دستگاه‌های اجرایی در سطح بین‌المللی است. شیلادیتیا^۳ معتقد است در مطالعه فساد بایستی عناصری همچون فرهنگ اداری سنتی، هویت قومی- مذهبی، جهانی‌شدن فساد، عدم اراده سیاسی در مبارزه با فساد و در نهایت سطح نازل و غیر بازدارندگی مجازات‌های مربوط به فساد که در نهایت برآمده ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه است، مورد توجه قرار گیرد (شیلادیتیا، ۲۰۱۱). مویو^۴ در تحقیق خود به نقش جامعه مدنی در مطالعه فساد تأکید کرده است و در رساله خود ادعا می‌کند که رهبران سیاسی و الزامات یکی از پایه‌های اساسی در مبارزه موفقیت‌آمیز با این پدیده هستند (مویو، ۲۰۱۰). آنچه از مطالعه پیشینه داخلی و خارجی نسبت به پدیده فساد به‌دست می‌آید توصیفات کامل نسبت به این پدیده و پیامدهای آن در روند توسعه جوامع است. با توجه به این مطالعات می‌توان چنین گفت:

¹ Akerman, Susan Rose

² Paul Carrington

³ Shiladitya, Chakraborty

⁴ Moyo, Stephen

۱) فساد تنها مربوط به دستگاه‌های دولتی عریض و طویل نیست و حتی می‌توان این پدیده را در مؤسسات و سازمان‌های خصوصی نیز مشاهده کرد. اما با این وجود اندازه سازمان‌ها با بروز فساد اداری ارتباط دارد.

۲) بهبود وضعیت کارکنان و معیشت آنان و به‌طور کلی بالا بودن کیفیت زندگی آنان می‌تواند در کاهش فساد مؤثر باشد.

۳) فساد رابطه معکوسی با دموکراسی و آزادی مدنی در جامعه دارد.

۴) جمهوری اسلامی ایران وارث یک نظام اداری ناکارآمد و توأم با فساد در دستگاه حکومتی و دولتی آن بوده است که بخشی از آن بازمانده از نظام پیشین و بخشی نیز معلول عملکرد غلط و شرایط گریزناپذیر سال‌های پس از انقلاب اسلامی است.

۵) شرایط جهانی ایجاب می‌کند مبارزه با فساد نیاز به عزم جهانی دارد و شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی که از مشروعیت و اقتدار کافی برخوردار باشند، برای کنترل پیامدهای فساد امری حیاتی است.

۶) در مطالعه پدیده فساد بایستی به عناصر فرهنگی، بافت اجتماعی، منش اجتماعی افراد جامعه توجه ویژه داشت،

۷) پدیده فساد را بایستی به‌عنوان یک مسأله اجتماعی در نظر گرفت که سلامت نهادهای دیگر جامعه را تهدید می‌نماید.

مطالعات صورت گرفته در زمینه فساد بیشتر جنبه توصیفی داشته و به ارائه راه‌کارهای کلی در این زمینه می‌پردازند. از آن جهت که فساد، پدیده چند بعدی است می‌بایستی با رویکردی جامع (چند رشته‌ای) عوامل اصلی شکل‌گیری و تداوم آن را مورد مطالعه قرار داد. عمده تحقیقات صورت گرفته در خصوص فساد به ندرت "چگونگی" شکل‌گیری این پدیده و ریشه‌یابی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند، و تنها به استفاده از یک سری نظریات جهان شمول در خصوص این پدیده اکتفا می‌کنند، بدون آنکه به این امر توجه داشته باشند که عوامل شکل‌گیری این پدیده عناصر بنیادینی است که خاص هر کشوری است.

چهارچوب نظری^۱

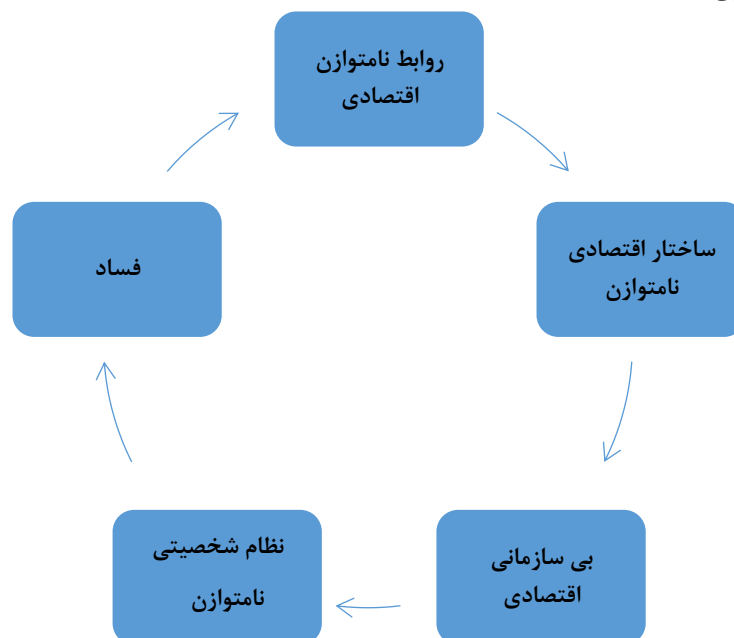
زندگی اجتماعی مردم ایران در طول تاریخ متأثر از عناصر بنیادینی همچون عنصر جغرافیایی، عنصر معیشتی بوده است. به هر اندازه جامعه از روابط اجتماعی مطلوب‌تر و متوازن‌تر برخوردار باشد به همان میزان از تقسیم کار اجتماعی متوازن‌تر و ساخت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متوازنی‌تر برخوردار خواهد بود. شکاف‌ها و تعارضات اجتماعی برآمده از پراکندگی اجتماعی در ایران، ساخت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نامتوازنی را به وجود آورده است؛ زیرا وجود هر نوع شکاف در جامعه مانع دستیابی به اجماع کلی درباره اهداف زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود و از تکوین چهارچوب‌های لازم برای هم‌پذیری، مشارکت و رقابت جلوگیری می‌کند. جامعه‌ای که از دل این ساختارهای اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرد، شکلی کوتاه‌مدت به خود می‌گیرد. نکته اصلی این جامعه همان "کوتاه‌مدت بودن" است. یعنی جامعه‌ای که در آن چشم‌انداز بلندمدتی چه در زندگی کلان و چه در زندگی خرد وجود ندارد. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد، روند تحول تاریخ ایران به این صورت بوده است که ما در طول تاریخ از یک جامعه با چشم‌انداز کوتاه‌مدت به یک جامعه دیگر با چشم‌انداز کوتاه‌مدت دیگر می‌رویم در این شرایط توسعه‌ای که بایستی مبتنی بر تحول در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی باشد صورت نمی‌گیرد. بدین ترتیب تاریخ ایران تبدیل به رشته‌ای از دوره‌های کوتاه‌مدت به هم پیوسته شده است. به عبارتی تاریخ ایران از نظم‌های شکننده‌ای تشکیل شده است که دائماً در وضعیت خلاء و استثنا قرار می‌گیرد. شکل‌گیری و تداوم جامعه کوتاه‌مدت ایران، شرایط اجتماعی خاص را به وجود می‌آورد که بیشتر می‌توان آن را نوعی بی‌سازمانی اجتماعی و اقتصادی عنوان کرد. وضعیتی که در آن اجزای مختلف

^۱ چهارچوب نظری مقاله برآیندی از مطالعات محقق از منابع زیر است:

- کریم ارغنده‌پور، در جستجوی جامعه‌ی بلندمدت: گفت‌وگو با دکتر همایون کاتوزیان، نشر نی، تهران، ۱۳۹۳
- اشمیت کارل؛ یاشار جیرانی؛ رسول نمازی، مفهوم امر سیاسی، انتشارات ققنوس، تهران ۱۳۹۳
- رابینگتن ارل؛ رحمت‌الله صدیق سروستانی، رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳
- رحمت‌الله صدیق سروستانی، آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات سمت، تهران، سال ۱۳۸۸
- مرتون رابرت کی؛ نوین تولایی، مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۶
- سیف‌الله سیف‌اللهی، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، انتشارات جامعه پژوهان سینا، تهران ۱۳۸۶

ممکن است ارتباط منظم را با یکدیگر از دست بدهند و از ردیف خارج شوند. در این وضعیت هماهنگی بخش‌های نظام اجتماعی و اقتصادی مختل می‌شود. بخش‌های نظام اقتصادی هیچ‌گاه هماهنگی کامل ندارند، با وجود این معمولاً نوعی تعادل پویا بین آنها موجود است. هر شرایطی که این تعادل را به هم بریزد موجب بروز بی‌سازمانی خواهد شد. در این وضعیت بی‌ثبات ساختار اقتصادی و اجتماعی، کنترل و هدایت ضعیفی بر کنش‌ها و رفتارهای افراد جامعه دارند. جامعه بی‌ثبات به علت گسیختگی، هم‌بستگی اجتماعی، فرد را از فشار افکار عمومی و نظارت‌های اجتماعی غیررسمی که در گروه‌های منسجم‌تر برای برقراری سازگاری با هنجارهای متعارف عمل می‌کند رها می‌سازد و زمینه کنش انحرافی را فراهم می‌آورد. جهت‌گیری‌های عاطفی و شناختی دولتی‌هایی که در این شرایط شکل می‌گیرند مبتنی بر آگاهی نیست؛ بنابراین مدیریت سیاسی و اقتصادی کشور بر مبنای سیاست‌های کارشناسانه تدوین نمی‌شود. در نتیجه نه تنها به نظام سیاسی و اقتصادی یک کشور آسیب می‌رساند، بلکه اصلی‌ترین رکن هر نظام سیاسی را که همان مردم است، از خود جدا می‌کند. این حکومت‌ها نمی‌توانند جامعه سالم و فاضل را تقویت و ارتقا دهند زیرا سیاست‌هایی را که در جهت مدیریت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تدوین می‌کنند بر مبنای هیچ کدام از عقلانیت‌های اقتصادی، سیاسی، قانونی و علمی نیست؛ و در نهایت نمی‌تواند نقش‌های خود را به‌عنوان یک دولت به درستی ایفا کند. وضعیت اجتماعی وابسته به اشخاص نیست، زیرا افراد جامعه، خود را در وضعیت‌های مختلف تعریف می‌کنند. در وضعیت آنومیک جامعه بی‌سازمان افراد جامعه کنش‌های انحرافی همچون کنش‌های مفسدانه را کنش‌های منحرفانه تلقی نمی‌کنند زیرا در این جامعه از یک سو مرزهای رفتار مشروع و نامشروع، سنجیده و ناسنجیده از بین می‌رود و جرم و بزه‌کاری و بالطبع کنش‌های مفسدانه افزایش می‌یابد؛ و از سوی دیگر افراد با جامعه‌پذیری این رفتارها باعث الگوسازی و تقلید بیش از پیش و به‌عبارتی به استمرار رفتارهای مفسدانه می‌انجامند.

مدل نظری



روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به شکل‌گیری و استمرار فساد با توجه به ساختارهای اقتصادی می‌پردازد. از آنجا که شناخت و درک پدیده فساد نیاز به مطالعه تاریخی در گذر زمان دارد، محقق می‌بایست این مسأله را در پرتو گذشته مورد مطالعه قرار دهد، بنابراین از روش تاریخی استفاده می‌کند. این روش مکمل مشاهدات محقق است و تحلیل انتقادی رویدادهای گذشته برای درک بهتر رویدادهای زمان حال است. توجه به مطالعات تاریخی، شناخت و آگاهی ما را نسبت به ساخت‌های مختلف در جامعه گسترش می‌دهد، زیرا موجودیت هر جامعه‌ای در حقیقت تاریخی مشخص دارد. بنابراین پرداختن به مسائل مختلف بدون در نظر گرفتن شرایط تاریخی نتایج گمراه‌کننده، تو خالی و انتزاعی را به همراه دارد. فساد، پدیده‌ای که به‌نوعی از عصر باستان تا دوران معاصر در ایران وجود داشته است، تأثیر بسیار عمیقی بر شکل‌گیری ساختارهای دیگر و در کل زندگی اجتماعی ایرانیان داشته است. به این جهت در این تحقیق بایستی از روش تاریخی به‌عنوان روش اصلی برای دستیابی به حقایق و واقعیت‌هایی که به‌نوعی ریشه در گذشته ما دارد استفاده کنیم. از سوی دیگر محقق تنها به جنبه‌های ساختاری این پدیده توجه نکرده بلکه از روش تاریخی و اسنادی برای شناخت رابطه

متقابل اجزاء با کل جامعه استفاده می‌نماید. به عبارت دیگر در این تحقیق، از روش تاریخی برای دریافت بازتولید بین کنش‌های افراد جامعه و ساختارهای جامعه استفاده می‌گردد. در این تحقیق محقق از اسنادی استفاده می‌کند که تحت تأثیر پدیده‌های اجتماعی قرار گرفته و برای افراد معانی خاص دارند. در این تحقیق از اسناد نوشتاری استفاده می‌شود که به مطالعه در خصوص فساد از بعد اقتصادی و جامعه‌شناختی پرداخته‌اند.

دستاوردها و یافته‌های تحقیق

وضعیت اقتصادی مانند ایران را باید کشوری در حال گذار تصور کرد که مشخصه اصلی آن عدم تعادل و بحران در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. پس از انقلاب، ارثیه متضادی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی از نظام سیاسی گذشته به‌جای ماند. نظام جمهوری اسلامی وارث نظام سرمایه‌داری بود که در آن جامعه به‌منزله جنگلی است که قوانین خاص جنگل در آن جاری است و هر فرد، شکارگر دیگری است و ارزش انسان به‌میزان شکار و سهم برای او مربوط است. از کجا آورده‌ای مطرح نیست. به هرگونه که بتوان درآمد بیشتری به‌دست آورد - بدون توجه به هزینه آن برای دیگران، جامعه و طبیعت - قابل قبول و توجیه است (رزاقی، ۱۳۷۰: ۷۹-۸۳). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انقلابیون خواستار طرح نظام سیاسی نوین و به تبع آن نظام حقوقی جدیدی بودند. اما وقوع بحران‌های داخلی و خارجی پس از انقلاب مانع از توجه علمی، اصولی و نظام‌مند به این قضیه گردید. توجه به نیازهای معیشتی و چرخه زندگی اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و تازه صنعتی شده بر محور علم و فن است و براساس آن ساختار اقتصادی تولیدمحور را در جهت بقا، رفاه، بهره‌وری، رقابت سالم و قدرت انعطاف بالا پدید می‌آورند در مقابل در ایران پس از انقلاب توجه به بافت اقتصادی و معیشتی نه بر مبنای اصول علمی و تجربیات به‌دست‌آمده از دولت‌های پیشین بلکه مبتنی بر آزمون و خطا صورت گرفت و براساس آن ساختار اقتصادی ایران، شکلی غیر مولد، رانته و مافیایی به خود گرفت. در این ساختار ما به‌جای همکاری با ستیز و به‌جای رقابت‌های معطوف به بالندگی تولید و بهره‌وری با رقابت‌های خشن و مخرب روبه‌رو می‌شویم (مومنی، ۱۳۹۴: ۲۵۳-۲۵۵). وجه مسلط کشورهای رانته به این صورت است که معمولاً ساخت تولید معیشتی دارند که نمی‌توانند از آن خارج شوند و این ساختار با سه قاعده رفتاری مشخص از اقتصادهایی که رو به توسعه دارند متمایز می‌شود. این سه قاعده رفتاری عبارت‌اند از افق نگرش کوتاه‌مدت در میان بازیگران اقتصاد، نیاز به سرمایه اندک برای راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی، مقیاس کوچک برای بنگاه‌های تولیدی، فساد، برآیند ترجیحات و انتخاب‌های واقعی افراد در یک جامعه، از دو مجرا قابل ردگیری است؛ «راستای کسب دانش» و «مجرای تبلور نفع

شخصی». شرایط نهادی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن به راستا و مجرای مورد اشاره دارد. برای فعالیت‌های فاسد یا در کلی‌ترین بیان، رانت‌جویانه، هم دانش و مهارت‌های خاصی نیاز است (همان، ۴۶).

مردم ایران عموماً به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته اقتصاد را یک دانش به رسمیت نمی‌شناسند و دسته دیگر آن را یک ایدولوژی قلمداد می‌کنند. پیامد طبیعی نادیده گرفتن دانش اقتصاد از یک طرف تخصیص غیر بهینه و هدر رفت منابع است. کاملاً بی‌معناست که جامعه‌ای نسبت به اقتصاد بی‌مهر باشد، اما درعین‌حال از چرایی هدر رفت انبوه منابع تاسف بخورد (سرزعی، ۱۳۹۶: ۱۲۵-۱۲۷). از طرف دیگر اندک بودن دانش مبارزه با فساد در ایران است. پذیرش این واقعیت که فساد مفهومی محلی است که بنا به مقتضیات هر عرصه تفاوت شکل و محتوا دارد و سازوکارهای آن تغییر می‌کند به این معناست که برای مقابله با فساد باید دانش عمیق و تفصیلی از هر عرصه نظام اقتصادی و اجرایی داشته باشید (otaghiranonline.ir/1/4/1398 / فاضلی). آنچه در این بین عجیب است اینکه برخی از صاحب‌نظران معتقد هستند: روح توسعه، به فساد منجر می‌شود (مومنی، ۱۳۹۶: ۳۴).

فهم درست از مسائل اقتصادی و اصول مدیریت کلان اداره کشور، استفاده از دستاوردها و تجربه بشر در طول دوران گذشته است. این مسأله بزرگ‌ترین چالش مدیریت اقتصادی کشور در تمام طول دوران گذشته بوده است. به عقیده آقای نیلی در مقطع پیروزی انقلاب این رویکرد فکری و محتوایی وجود داشت که هر چه در دنیا و در عرصه سیاست‌گذاری وجود دارد و مورد استفاده قرار می‌گیرد، مبتنی بر دانشی است که منشاء آن بلوک سرمایه‌داری است و چون روحیه موجود آن زمان این بود که ما در تضاد با نظام سرمایه‌داری قرار داریم، بنابراین آن یافته‌ها به‌علاوه کسانی که آنها را تأیید می‌کردند غیرخودی تشخیص داده می‌شدند. آنچه هم جایگزین آن شد طبیعتاً جایگزینی علمی و ثابت شده نبود. بلکه یک جایگزین آرمانی بود که در فضای ذهنی تصویر شده از شرایط ایده‌آل پس از انقلاب به‌وجود آمده بود (امویی، ۱۳۸۳: ۲۵۰). به‌عقیده زنجانی، نظام اقتصاد اسلامی طراحی شده برگرفته از برخی مسائل سرمایه‌داری، برخی تئوری‌های سوسیالیستی و بخشی هم از برداشت‌های مذهبی بود. درواقع ملغمه‌ای از این مجموعه متضاد بود. از آنجا که در آن زمان مسائل سیاسی همه چیز را تحت تأثیر قرار داده بود و حوادث سیاسی کشور سرعت زیادی داشت مجالی برای پرداختن به مسائل جانبی دیگری وجود نداشت. نظام اقتصاد اسلامی که تحت این عنوان قانون اساسی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ تدوین شد، هیچ‌گونه رفت و برگشتی با واقعیت‌های خارجی نه به‌لحاظ تجربی و نه به‌لحاظ آدم‌هایی که طراح و مجری این نظریات بودند، نداشت. در نتیجه کاملاً عاریه‌ای و کاملاً مستقل از فضای اداری و اجرایی و واقعی کشور بود. در آن دوره نه

دست‌اندرکاران اقتصاد و سیاست اداره کشور و نه هیچ کدام از نیروهای انقلاب تجربه عملی در اداره حوزه اقتصادی نداشتند. علاوه بر این در حوزه تئوریک هم مشکل اساسی داشتیم (همان، ۱۴۴). کشورهای توسعه‌یافته، تئوری مشخص و منسجمی برای اداره اقتصاد دارند. نقطه مقابل این وضعیت در کشور ما حاکم است. ظاهراً ما دارای قانون اساسی هستیم و استقلال سه قوه وجود دارد، اما واقعیت این است که تئوری مشخصی برای اداره کشور به‌خصوص در زمینه‌های اقتصادی نداریم. هنوز پس از چندین سال معلوم نیست وقتی در مورد مبارزه با فساد، عدالت اجتماعی و ... صحبت می‌کنیم منظور چیست؟ هرکس و هرگروهی براساس ذهنیت و برداشت خود که آن را ملاک تصمیم‌گیری هم می‌داند، اقدام کرده و نظر خود را در سطح جامعه مطرح می‌کند. اقتصاد ایران در وضعیت کنونی از نظر مسائل و چالش‌هایی که با آن مواجه است در مقطعی ویژه به سر می‌برد. مشکلات اقتصادی انباشته شده در طول سالیان گذشته، مانند زخم‌هایی کهنه، یکی پس از دیگری سر باز کرده‌اند و به‌دنبال آن، مرهم‌گذاری بر این زخم‌ها جای علاج بیماری را گرفته است. انباشت مشکلاتی که در دهه‌های گذشته برای حل آنها چاره‌اندیشی نشده سبب شده است اقتصاد ایران امروز از نظر تعداد و عمق مسائل در وضعیت تجربه نشده‌ای قرار گیرد. همین امر باعث شده است نه تنها آینده میان مدت، بلکه آینده بلندمدت اقتصاد ایران نیز به نحوه مدیریت و تصمیماتی که در چند سال نزدیک پیش رو اتخاذ می‌شود وابستگی زیاد پیدا کند (نیلی، ۱۳۹۶: ۳۳).

تأثیر جریان‌ات و ستیزه‌های سیاسی و تفکرات آرمان‌گرایانه پس از انقلاب دو تفکر را در حوزه اقتصادی جمهوری اسلامی به‌وجود آورد که عاملی برای تفکیک بیشتر جناح‌های سیاسی از یکدیگر و گسترش ستیزه‌ها در حوزه سیاسی گردید. گرایش اول را می‌توان میانه‌رو نامید که خواهان تحولاتی محدود در نظام اقتصادی بود. گرایش مخالف "میانه‌رو" را می‌توان گرایش "پوپولیستی و مبتنی بر کنترل دولت" نامید. این گرایش مورد حمایت اصلی بنیان‌گذاران انقلاب بود و رویکرد غالب در اداره اقتصادی کشور گردید (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۲۵-۱۲۶). تصورات ساده‌اندیشانه از سازوکارهای حاکم بر اقتصاد موجب شد سیاست‌های نادرستی به‌کار گرفته شود که پیامدهای نامطلوب آن بعد از چندسال همچنان دامن‌گیر اقتصاد ایران است. به همین علت، مهم‌ترین ویژگی حکومت‌های عوام‌گرا اتخاذ سیاست‌هایی است که منافع و رضایت کوتاه‌مدتی ایجاد می‌کند، اما در بلندمدت زیان‌های بزرگی به‌دنبال دارد (سرزعی، ۱۳۹۶: ۸).

پس از انقلاب دو نوع مدیریت را بر نظام اقتصادی کشور شاهد هستیم، مدیران مکانیکی و مدیران فیلسوف شاه (یا مدیران افلاطونی). مدیران مکانیکی نه دانش تخصصی مربوط به حوزه مدیریت خود و نه تجربه لازم در حوزه مدیریتی دارند. بنابراین براساس برداشت‌های ساده‌بینانه خود به سیاست‌گذاری در اقتصاد می‌پردازند که پیامدهای شدیدی برای نظام اقتصادی کشور به

همراه داشته است. مدیران فیلسوف شاهی، دانش‌آموختگان اقتصادی بودند که با پیروزی انقلاب وارد کشور شدند و یا در اوایل انقلاب به تحصیل اقتصاد می‌پرداختند. این سیاست‌گذاران از یک سو با انبوه مسائل و مشکلات جدید در اقتصاد ایران روبه‌رو شدند و از سوی دیگر رابطه فکری‌شان با تحولات علم اقتصاد در دنیا قطع شده بود و فرصت بازسازی نظری خود را نیافتند. بنابراین فرصت تحلیل مسائل اقتصاد ایران را نیز نداشتند و با همان دانش اولیه در خصوص مسائل اقتصادی کشور سیاست‌گذاری کردند و آسیب‌های فراوانی به اقتصاد ایران زدند (رنانی، ۱۳۹۷: ۱۸۰-۱۸۳). اقتصاد دولتی و به‌عبارتی فعالیت‌های اقتصادی دولت در ایران و پیامدهای آن از جمله مواردی است که دولت جمهوری اسلامی از دولت‌های پیشین خصوصاً دولت پهلوی به ارث برده است (امجد، ۱۳۸۰: ۴۷). در ایران و دیگر کشورهای درحال توسعه، برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، دولت نقش اساسی در ایجاد و رشد سرمایه‌داری ایفا کرده است. به رغم عمومیت داشتن پدیده فساد در میان دولت‌های مختلف شامل توسعه‌یافته‌ها و توسعه‌نیافته‌ها، فساد سیاسی و اقتصادی در کشورهای توسعه‌نیافته از وضعیتی متفاوت برخوردار است. اگر فساد در تعدادی از دولت‌ها به‌عنوان یک نارسایی اداری تلقی می‌گردد، در کشورهای درحال توسعه فساد سیاسی و مالی به‌عنوان یکی از مشخصه‌ها و ویژگی‌های دولت‌ها قلمداد می‌شود. در دولت‌های درحال توسعه به راحتی می‌توان یک سلسله مراتب نظام‌مند و مشخص را بین سطوح مختلف فساد مشاهده کرد. فساد به راحتی از پایین به بالا و بالعکس جابه‌جا شده و از بالا به پایین و در عرض نیز انتشار می‌یابد (ربیعی، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۸). یکی از نتایج اجتناب‌ناپذیر رشد نامتوازن اقتصادی را می‌توان ظهور جلوه‌هایی از فساد اقتصادی دانست. در شرایطی که دولت به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگر اقتصادی تلقی می‌شود، طبعاً امکان ضابطه‌زدایی اقتصادی از سوی نیروهای دولتی افزایش می‌یابد. این امر منجر به فساد اقتصادی گردیده و زمینه را برای ظهور جلوه‌هایی از رضایت محدود و ناپایدار فراهم می‌سازد. به‌طور کلی، فساد اقتصادی در شرایطی شکل می‌گیرد که کارگزاران اجرایی و اداری، ضوابط پذیرفته‌شده قانونی را نادیده انگاشته و منافع اقتصادی خود را بر منافع عمومی و حکومتی ترجیح دهند. به‌طور کلی، زمانی که برنامه‌های توسعه اقتصادی در کشوری به مرحله اجرا گذاشته می‌شود و یا اینکه روند خصوصی‌سازی و ضابطه‌زدایی اقتصادی در دستور کار قرار می‌گیرد، در آن شرایط، امکان شکل‌گیری فساد اقتصادی افزایش می‌یابد، زیرا فساد اقتصادی بیانگر جلوه‌هایی از فقدان نهادمندی سازمانی و ساختاری بوده و در نتیجه، نقش نهادی و قانونی کارگزاران تحت تأثیر منافع فردی قرار می‌گیرد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۱-۲۲)

از زمره بخش‌های مهم اقتصادی ایران که در نتیجه سیطره دولت به بستر و زمینه‌ای برای فساد تبدیل شده‌اند، نظام بودجه‌بندی و بانکداری است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پایه‌گذاری

جمهوری اسلامی، دولت وارث نظام اقتصادی و بودجه ای ناسالم باقی مانده از دولت پهلوی است. مالیه عمومی در ایران در جریان عملکردهای گذشته بر محور اتکا به عواید نفتی در حجم و ترکیبی نامتعادل به گونه‌ای تحول یافته که در نهایت بافتی وابسته را به اقتصاد کشور تحمیل کرده است. در نتیجه نظام بودجه بندی پس از انقلاب، ساختاری رانت جویانه دارد. به طور کلی، جامعه ایران به ویژه در گذشته، جامعه‌ای دولت سالار و دولت ستیز بوده و دولت و مردم به میزان زیادی از یکدیگر مستقل بوده‌اند. در واقع یک رابطه کارگزاری انعقاد یافته و روشن، بین دولت و مردم شکل نگرفته است. در این شرایط، حقوق مالکیت عمومی مبتنی بر منابع بودجه، شکننده و آسیب پذیر خواهد شد و مردم نسبت به آثار توزیعی مدیریت منابع عمومی توسط دولت کاملاً بدبین خواهند بود. در این صورت، انتظار بر این است که تمایل آنها به بهره برداری از قدرت بازتوزیعی دولت و تأثیرگذار بر نتایج سیاست گذاری‌های عمومی در راستای بهره برداری شخصی شان بیشتر باشد؛ هرچند این رفتار در کل به زیان عموم تمام شد (خضری، ۱۳۸۷).

نظام بانکی نیز همواره با مداخلات گسترده دولت چه از نظر مداخلات قیمتی و چه از نظر تخصیص در منابع مواجه بوده است. شکل گیری مؤسسات مالی که ذیل قواعد نظارتی مرکزی فعالیت نمی کردند یا نظارت ضعیف سبب شده توان نظام بانکی برای فراهم آوردن خدمات مالی مناسب تضعیف شود (نیلی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). از جمله عواملی که باعث بروز ناامنی در اقتصاد ایران به طور عام و سرمایه گذاری به طور خاص گردیده، دیوان سالاری گسترده دولت است. علت عمده این مسأله، مقررات دست و پا گیر و وجود نهادهای مشابه و موازی است. حاکم بودن قانون با اجرای مقررات قانون و این نامه‌های متعدد، همخوانی ندارد. در حقیقت، زمانی که مقررات زیاد می شود، اجرا نمی گردد. مقررات زیاد به معنای خروج از برقراری قانون و آزاد گذاشتن دست اراده‌های خاص و افزودن قدرت دیوان سالاران است (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

جمهوری اسلامی در کنار دولتی کردن بسیاری از صنایع تعداد زیادی بنیادهای مذهبی شبه دولتی ایجاد کرد. بررسی حکومت روحانیون در چند دهه گذشته نشان می دهد این شبکه‌های سنتی به نهادهایی مدرن با تأثیری عمیق بر سیاست و اقتصاد ایران تبدیل شده‌اند. نهادهایی که سر برآوردن آنها توانایی دولت قانونی را برای اعمال اراده خویش محدود ساخته است. بنیادها چارچوب بسیار مناسبی برای تحلیل نظم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب فراهم می آورند چرا که نه به طور کامل حکومتی اند و نه کاملاً از نهادهای حکومتی متمایزند. بنیادها عمدتاً به دولت حساب پس نمی دهند، از پرداخت مالیات معافاند و از افشای فعالیت‌های خود خودداری می کنند. این امتیازات به طور تلویحی دست بنیادها را باز می گذارد که در راستای برنامه‌های مستقل از دولت هم در حوزه داخلی و هم حوزه بین المللی مداخله کنند. این موقعیت بنیادها ابزاری بدیع برای

تحرك سرمایه فراهم می‌آورد. ولی در عین حال محدودیت‌های چشم‌گیری بر تلاش‌های دولت برای اصلاح و بازاصلاح و بازسازی اقتصاد ایران تحمیل می‌کند (مالونی، ۱۳۸۲). کنترل ساخت‌های اقتصادی در کشوری که بخش اعظم نقدینگی آن در دست نهادهای حکومتی است، کار دشواری خواهد بود. این نهادها در روند توسعه اقتصادی، واکنش نشان خواهند داد. آنان تمایلی به شکل‌گیری حساسی‌های قانونی و پرداخت هزینه فعالیت‌های اقتصادی خود ندارند. در اقتصاد ایران بخش‌های مختلفی وجود دارند که قواعد دولتی را نادیده می‌گیرند. بنابراین چنین نهادهایی می‌توانند نقش مخربی را در دوران توسعه ایفا نمایند. این امر همواره چالش‌هایی را در حوزه نظام اقتصادی و قضایی کشور به وجود می‌آورد. این چالش‌ها را می‌توان به‌عنوان پیامد ساخت‌ها و شکل‌بندی‌های مختلط اقتصادی دانست. روندهای موجود نشان می‌دهد که به هر میزان فعالیت‌های اقتصادی توسط مراکزی انجام شود که دارای قدرت سیاسی باشند، مکانیسم‌های مربوط به اقتصاد آزاد کمتر رعایت خواهد شد. قدرت سیاسی را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل مخرب و تأثیرگذار بر فرآیندهای توسعه اقتصادی دانست، زیرا روابط اقتصادی را از حوزه رقابتی خارج نموده و در فضای انحصاری قرار می‌دهد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۵۷).

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که بزرگ‌ترین مصرف‌کننده در کل حیات جمعی و به‌ویژه اقتصادش، دولت است و بنابراین، بزرگ‌ترین متقاضی دانایی باید دولت باشد، اما می‌بینیم که الگوی بخش مهمی از تقاضاهای دولت، عمدتاً تحت تأثیر اقتصاد سیاسی رانتی است. به همین دلیل است که شاهدیم در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع ما، کوچک‌ترین الزامی برای ارائه پشتوانه کارشناسی و مبانی علمی برای تصمیم‌گیری‌ها وجود ندارد. هم در قوه مجریه و هم در قوه مقننه، فرآیندهایی که به تشکیل یک نهاد رسمی مانند قانون منتهی می‌شوند، نیاز و الزام نهادمندی به توجیه علمی و کارشناسی ندارند (نیلی، ۱۳۹۳).

در اقتصاد سیاسی ایران نفت در غیاب یک نظام آموزشی مسأله‌محور و در غیاب دولتی که به‌صورت نظام‌وار و نهادمند متقاضی علم باشد، به یک عامل ضدتوسعه‌ای تبدیل شده است. در ایران درآمد نفت یک قدرتی به دولت می‌دهد که بدون آن ممکن نمی‌بود. درآمد نفت در جهت استقلال بیشتر دولت از جامعه عمل کرده و دولت با این درآمد کمتر احساس وابستگی و نیاز به جلب رضایت‌مندی عموم در ازای کسب محبوبیت بیشتر می‌کند. مهم‌ترین میراث سرازیر شدن درآمد نفت در خرانه دولت شکل‌گیری پدیده رانت و دولت رانتی است، استخراج و تولید نفت هزینه‌ای برای دولت دارد ولی این درآمد منهای هزینه تولید، همان رانت است. بنابراین با یک درآمد بادآورده در یک دولت رانتی نمی‌توان سخن از یک اقتصاد سالم کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۸-۴۱). یکی از ویژگی‌های دولت‌های رانتی آن است که به دولت‌ها این تصور القا می‌شود که در تعقیب اهداف و

خواسته‌های خود با محدودیت کمی روبه‌رو هستند. دولت رانتی و سیاست‌مداران آن مجال بیشتری برای پیگیری سودها و رویاهای خود دارند و دل‌نگرانی کمتری در برابر اقدامات اشتباه خود دارند، چرا که اگر اقدامات آنان به جامعه وابسته و پاسخ‌گو نیست. رشد جاه‌طلبی بین‌المللی و سردادن ادعاهای بی‌مبنا و حساب نشده از پیامد این امر است (سرزعی، ۱۳۹۶: ۲۴). مسأله رفتن همه پول نفت به خزانة دولت به خودی خود مشکلی ایجاد نمی‌کند. اشکال اصلی در ساختارهای اجتماعی و سوابق تاریخی است. استقلال دولت از جامعه در ایران وجود داشته و نفت این استقلال را بیشتر و در عین حال جامعه را بیشتر به دولت وابسته می‌کند. برای اینکه بیش از پیش روزی جامعه در دست دولت هست. این وضعیت نتایج دیگری دارد که مهم‌ترین اش تنبیل کردن جامعه در امر تولید است. به این معنا که جامعه خود به خود انتظار دارد یک سطح زندگی داشته باشد که خودش آن را تولید نکرده است. خودبه‌خود انتظار دارد مدرسه و دانشگاه و بیمارستان و سیستم‌های مطلوب اجتماعی و یک سطح زندگی وجود داشته باشد که خودش عامل تولیدش نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۴۱). حکومت یک دولت رانتیر چون نتوانسته یک دستگاه اداری مؤثر برای جمع‌آوری مالیات به‌وجود آورد، ممکن است در زمینه هر فعالیتی که مستلزم بصیرت و نوآوری گسترده سازمانی باشد، ناکام شود. از نظر سیاسی، در چنین حالتی قدرت حکومت برای ایجاد وفاداری شهروندان، مبادرت به سازمان‌دهی گروه‌های سیاسی و ایدئولوژیک می‌کند. در چنین شرایطی است که زمینه برای سازمان‌دهی گروه‌های اجتماعی نوظهور که انگیزه بالایی برای دستیابی به قدرت سیاسی برخوردارند، به‌وجود می‌آید (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۳۲۰-۳۲۱). بنابراین وقتی دولت در جامعه‌ای با ساختار نهادی ضعیف و رانتی، در یک دوره طولانی از درآمدهای رایگان حاصل از منابع طبیعی برخوردار باشد به تدریج موجب تخریب نهادهای اجتماعی طبیعی و خود پدیدار می‌شود. تخریب نهادهای اجتماعی از سوی دولت، منجر به درهم‌ریزی رفتارهایی می‌شود که به‌وسیله این نهادها کنترل می‌شده است. بنابراین به تدریج نوعی بی‌هنجاری بر رفتارهای مختلف اجتماعی حاکم می‌شود. گرچه دولت از طریق تصویب و اعمال قوانین برخی از این رفتارها را مجدداً ساماندهی و کنترل می‌کند اما نهایتاً دولت نمی‌تواند همه زمینه‌های رفتار اجتماعی را کنترل کند. وقتی بی‌هنجاری اجتماعی با برخی اقتضانات دوره‌های گذار درهم می‌آمیزد، منجر به ظهور رفتارهایی مخرب تازه‌ای از سوی جامعه می‌شود. این بار جامعه است که دست به تخریب نهادها می‌زند. در واقع جامعه با واکنش طبیعی به عمل تخریبی دولت، خود نیز موجب تخریب بیشتر نهادهای اجتماعی می‌شود (رنانی، ۱۳۹۷: ۱۶۷-۱۶۸). معیدفر نیز معتقد است فساد و در پی آن رانت‌خواری، انواع و اقسام شیوه‌های ارتقای اقتصادی و شغلی باعث می‌شود جولان اقشار نوکیسه‌ای که دارای سابقه اجتماعی نیستند، گسترش یابد. به عقیده وی جامعه‌ای که دچار هجوم پول‌های بادآورده

شده قربانی می‌گیرد و این قربانی هم از اقشار محروم و حتی اقشار مرفه باشد چرا که محصول یک جامعه خراب است (etemadonline.com/31/2/98). تا زمانی که در یک اقتصاد نفتی مانند ایران، دولت غیر دموکراتیک باشد و بنابراین غیر شفاف، سیاست‌های دولتی به‌وسیله علایق رانت‌جویانه که باعث جلوگیری از رشد یک بخش خصوصی مستقل و رقابتی می‌شود، دیکته خواهد شد. فقدان سرمایه‌گذاری خصوصی در فعالیت پربازده در ایران به دلیل محدودیت پس‌انداز نیست. بلکه این مسئله به دلیل فقدان انگیزه در بخش خصوصی به متعهدشدن در سرمایه‌گذاری درازمدت و یا از این قبیل فعالیت‌ها است (کارشناس، ۱۳۸۴). اگر در کشوری نهادهای ثروتمندی وجود داشته باشد که به نظارت‌های مردمی و غیر حکومتی تن ندهد و به بهانه خصوصی‌سازی اموال عمومی را به ثمن بخش به مقامات عالی رتبه نظام منتقل کند نه فقط مرتکب عمل فاسدی شده بلکه به نهادینه شدن فساد کمک کرده است. به این معنا که مقامات برخوردار از معاملات فاسد نه فقط از نهادهایی که باید در خدمت تأمین عدالت در جامعه باشند در جهت منافع شخصی خود و توجیه آن استفاده می‌کنند و گسترش فساد بیشتر را سبب می‌شوند، بلکه می‌کوشند تا با تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از شدت قبح عمل خود در چشم و دل مردم بکاهند. به تدریج شبکه‌ای از نهادهایی پدید خواهد آمد که هدف آنها فقط حفظ روابط قدرت خواهد بود. پیامی که از این آمیزش ثروت و قدرت به جامعه منتقل می‌شود این است که صاحبان مناصب بالا فراتر از قانون هستند و قانون چهره دیگری از قدرت یا زور است که در کنار آمیزه ثروت - قدرت و در جهت سرکوب خواست‌ها و منافع عمومی عمل می‌کند. مردم این پیام‌ها را درونی می‌کنند و چون ساختار قدرت را حامی خویش نمی‌دانند خود را تنها به حفظ منافع شخصی مقید می‌کنند. گسترش جرم و جنایت، تملق و چاپلوسی از عوارض فساد در این سطح است. این روحیه سبب فرسایش بنیادهای اخلاق عمومی در جامعه می‌شود و نوعی فردگرایی بی‌بند و بار بدون ترحم و غیر منطقی جامعه را فرا می‌گیرد. سپس ساختار قدرت به توجیه روابط شکل گرفته می‌پردازد و رسانه‌های گروهی وابسته به آن تفسیر دیگری از حقیقت ارائه می‌کنند و گفتمانی را طرح می‌کنند که تنیده در قدرت و قوام بخش آن است، قدرتی که خود این گفتمان را پدید آورده است (راغفر، ۱۳۸۷). در ایران پس از انقلاب به رغم تمایل شدید برای تشکیل حکومت مستضعفان، پلورالیسم شدید طبقاتی به نفع ثروتمندان نوکیسه شکل گرفت که نتیجه آن گسترش اقتصاد سوداگرانه بود. یعنی مال‌اندوزان به‌سادگی و با کسب تجربه دریافتند که راه انباشت ثروت بیشتر، نه تشکیل سرمایه‌های تولیدی، بلکه دست یازیدن به خرید و فروش است. طبقه مرفه کنونی عمدتاً از طریق شرکت در سوداگری کالاهای داخلی، خارجی، املاک و استفاده از حمایت‌های حقوقی به چنین امتیازهای بزرگی دست یافته است. طبقه سوداگر جدید، محصول دوران پس از انقلاب است که پایگاه اقتصادی‌اش در بازار و

پایگاه سیاسی‌اش در بخشی از حاکمیت قرار دارد. این طبقه مانع هرگونه دگرگونی سیاسی از جمله تحول به سوی دموکراسی است (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۸۷ - ۸۸). از جمله ویژگی‌های دیگر خصوصی‌سازی در ایران وجود پدیده "درب گردان" یا به عبارتی جا به جای مدیران ارشد دولتی و بخش خصوصی است. این پدیده می‌تواند به ایجاد تضاد منافع بینجامد و آثار زیان‌باری برای بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی پدید آورد و تبدیل به یکی از زمینه‌های اصلی فساد شود. در ایران نیز به دلیل اینکه هرگز قانون مشخص و واضحی در این زمینه وجود نداشته جا به جای مدیران میان دو بخش خصوصی و دولتی امری بسیار رایج است. انگیزه مدیران ارشد دولتی در صنعتی خاص که خود در بخش خصوصی مرتبط ذی‌نفع‌اند هیچ‌گاه به سمت اصلاح و ایجاد فرصت برابر رقابت برای سایر بنگاه‌ها نخواهد رفت و تنها بنگاه‌های دارای رابطه می‌توانند با رانتی که در اختیار دارند بهره‌مندتر از دیگران باشند (نیلی، ۱۳۹۶: ۲۴۱).

پس از انقلاب این تفکر که کشور باید دارای یک برنامه باشد تا بتواند اولویت‌ها را تعیین کند و سرمایه‌گذاری‌ها را جهت دهد و اهداف مشخصی را در سطح کلان و در سطح بخش‌های مختلف دنبال کند یکی از ضروریات بود. بر همین اساس از همان زمان مجموعه‌هایی با محوریت سازمان برنامه و بودجه شکل گرفته بودند تا این موضوع را دنبال کنند. اما این کار از ابتدا با سه چالش اصلی روبرو بوده است. چالش اول مربوط به چگونگی اتصال برنامه‌ریزی‌های اجرایی به مباحث ایدئولوژیک و مباحث اعتقادی بود. چالش دوم این بود که سازمان برنامه به‌عنوان دستگاه متولی امر برنامه‌ریزی کشور سازمان مورد اعتمادی تلقی نمی‌شد و این امر باعث ایجاد نهادهای موازی و ستادهای مختلف که همان کار سازمان برنامه را می‌کردند شد. در نتیجه این دو چالش، ناپختگی و به‌کارگیری تجربه‌های قبلی در تدوین برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی و عدم اصلاح این نواقص در برنامه‌های بعدی به‌عنوان چالش سوم شکل گرفت. در نتیجه ما برای موضوعات و مسائل پاسخ‌ها و تعاریف مشخصی نداریم. هر دستگاه و نهادی مجبور است خودش یک فروضی بگذارد و شروع به کار کند. برای همین عملکرد بلندمدت اقتصاد ما، نتایج جالبی در نیامده است (نیلی، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی وارث ساختار اقتصادی و اجتماعی متضادی از دولت‌های پیشین بود. هرچند انقلابیون خواستار ایجاد دولت جدیدی بر مبنای ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت بودند، اما بحران‌های خارجی و های داخلی بر سر تصاحب قدرت مانع از توجه علمی، اصولی و نظام‌مند به این قضیه گردید.

توجه به مسائل و موضوعات اقتصادی و اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته مبتنی بر دانش و دستاوردهای علمی است. بر این مبنای ساختار اقتصادی آنها بر مبنای ساختاری تولید محور است. در مقابل در ایران به‌دلیل بدبینی به علم اقتصاد و اصول برنامه‌ریزی در خصوص مسائل اقتصادی و رواج باورهای ایدئولوژیک پس از انقلاب، بسیاری از سیاست‌های اقتصادی بر مبنای آزمون و خطا است. بر این اساس ساختار اقتصادی ایران، شکلی غیرمولد، رانته و مافیایی به خود گرفت. در این ساختار ما به‌جای همکاری با ستیز و به‌جای رقابت‌های معطوف به بالندگی تولید و بهره‌وری با رقابت‌های خشن و مخرب روبه‌رو می‌شویم. پیامد طبیعی نادیده گرفتن دانش اقتصاد در ایران از یک طرف تخصیص غیربهبینه و هدر رفت منابع است و از طرف دیگر اندک بودن دانش مبارزه با مسائل اقتصادی همچون فساد است. فساد، برآیند ترجیحات و انتخاب‌های واقعی افراد در یک جامعه، از دو مجرا قابل ردگیری است؛ «راستای کسب دانش» و «مجرای تبلور نفع شخصی». شرایط نهادی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن به راستا و مجرای مورد اشاره دارد. برای فعالیت‌های فاسد یا در کلی‌ترین بیان، رانت‌جویانه، هم دانش و مهارت‌های خاصی نیاز است.

فهم درست از مسائل اقتصادی و اصول مدیریت کلان اداره کشور، استفاده از دستاوردها و تجربه بشر در طول دوران گذشته است. این مسأله بزرگترین چالش مدیریت اقتصادی کشور در تمام طول دوران گذشته بوده است. پس از انقلاب شاهد ظهور دو نوع مدیریت بر نظام اقتصادی کشور هستیم، مدیران مکانیکی و مدیران فیلسوف شاه. مدیران مکانیکی دانش تخصصی و تجربه کافی نسبت به مسائل اقتصادی نداشتند و با برداشت‌های ساده‌بینانه و سیاست‌گذاری در اقتصاد، پیامدهای شدیدی را بر نظام اقتصادی ایران تحمیل کردند. مدیران فیلسوف شاهی اگرچه تحصیلات آکادمیکی در زمینه اقتصاد داشتند اما به‌دلیل انبوه مسائل و مشکلات جدیدی که اقتصاد ایران با آن روبرو بود و از سوئی قطع رابطه فکری آنها با دستاوردهای جدید علمی، با همان دانش اولیه و عدم تحلیل دقیق مسائل اقتصادی به سیاست‌گذاری پرداختند و آسیب فراوانی به اقتصاد ایران زدند. اقتصاد ایران در وضعیت کنونی از نظر مسائل و چالش‌هایی که با آن مواجه است در مقطعی ویژه به سر می‌برد. مشکلات اقتصادی انباشته شده در طول سالیان گذشته، مانند زخم‌هایی کهنه، یکی پس از دیگری سر باز کرده‌اند و به‌دنبال آن، مرهم‌گذاری بر این زخم‌ها جای علاج

بیماری را گرفته است. انباشت مشکلاتی که در دهه‌های گذشته برای حل آنها چاره‌اندیشی نشده سبب شده است اقتصاد ایران امروز از نظر تعداد و عمق مسائل در وضعیت تجربه نشده‌ای قرار گیرد. همین امر باعث شده است نه تنها آینده میان‌مدت، بلکه آینده بلندمدت اقتصاد ایران نیز به نحوه مدیریت و تصمیماتی که در چند سال نزدیک پیش رو اتخاذ می‌شود وابستگی زیاد پیدا کند. دولتی شدن اقتصاد پس از انقلاب، موجب شد که فساد وضعیت متفاوتی به خود بگیرد و امروزه شاهد این پدیده در تمام سطوح دولت باشیم. افزایش ضابطه‌گذاری دولتی در اقتصاد فساد را به همراه می‌آورد. فساد در شرایطی شکل می‌گیرد که کارگزاران اجرایی و اداری، ضوابط پذیرفته شده قانونی را نادیده انگاشته و منافع اقتصادی خود را بر منافع عمومی و حکومتی ترجیح دهند. سیاست‌زدگی و عوام‌گرایانه بودن اقدامات دولت جمهوری اسلامی در مبارزه با فساد دولتی بی‌ثباتی‌هایی را در زمینه اقتصادی و اجتماعی به همراه داشته است. راه‌اندازی و تقویت نهادهای غیر رسمی همچون بنیادها توان دولت را در تصمیم‌گیری و رفع مسائل جامعه با مشکل مواجه می‌سازد و موجب می‌شود. به هر میزان فعالیت‌های اقتصادی توسط مراکزی انجام شود که دارای قدرت سیاسی باشند، مکانیسم‌های مربوط به اقتصاد آزاد کمتر رعایت خواهد شد. فقدان تعهد لازم در سیاست‌های دولتی، تسلط سلائق خاص بر دولت، دخالت‌های بی‌ضابطه بخش‌های مختلف دولت به منظور حفظ منافع گروه‌های خاص در قدرت منجر به تضعیف رقابت و منحرف شدن توانایی‌ها به سمت فعالیت‌های غیر بهره‌ور و رانت‌جویانه می‌شود.

در نظام اقتصادی ایران نفت در غیاب یک نظام آموزشی مسأله محور و دولتی که به صورت نظام‌وار و نهادمند متقاضی علم باشد، به یک عامل ضد توسعه‌ای تبدیل شده است. درآمدهای نفتی علاوه بر اینکه قدرت فراوانی به دولت‌های ایران می‌دهد زمینه رانت و دولت رانتی را در ایران فراهم می‌کند. بنابراین در یک دولت رانتی نمی‌توان سخن از یک اقتصاد سالم کرد. دولت رانتی، مانع شکل‌گیری رابطه متقابل سالم میان دولت و جامعه شده است و رابطه حامی - پیرو را بین دولت و مردم را بازتولید کرده است. چنین شرایط سبب ضعف جامعه‌ی مدنی در ایران و کاهش مداوم سرمایه اجتماعی شده است. تا زمانی که در اقتصاد ایران، دولت غیردموکراتیک، غیرشفاف همراه با سیاست‌گذاری‌های برگرفته از علائق رانت‌جویانه باشد، نمی‌توان شاهد رشد و گسترش یک بخش خصوصی مستقل و رقابتی باشیم. وقتی دولت در جامعه‌ای با ساختار نهادی ضعیف و رانتی، در یک دوره طولانی از درآمدهای رایگان حاصل از منابع طبیعی برخوردار باشد به تدریج موجب تخریب نهادهای اجتماعی طبیعی و خود پدیدار می‌شود. تخریب نهادهای اجتماعی از سوی دولت، منجر به درهم‌ریزی رفتارهایی می‌شود که به وسیله این نهادها کنترل می‌شده است. بنابراین به تدریج نوعی بی‌هنجاری بر رفتارهای مختلف اجتماعی حاکم می‌شود. گرچه دولت از طریق تصویب و اعمال

قوانین برخی از این رفتارها را مجدداً سامان‌دهی و کنترل می‌کند اما نهایتاً دولت نمی‌تواند همه زمینه‌های رفتار اجتماعی را کنترل کند. وقتی بی‌هنجاری اجتماعی با برخی اقتضائات دوره‌های گذار درهم می‌آمیزد، منجر به ظهور رفتارهایی مخرب تازه‌ای از سوی جامعه می‌شود. این بار جامعه است که دست به تخریب نهادها می‌زند. در واقع جامعه با واکنش طبیعی به عمل تخریبی دولت، خود نیز موجب تخریب بیشتر نهادهای اجتماعی می‌شود. در نهایت نظام سرمایه‌داری در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی شکل گرفت بود که در آن جامعه به منزله جنگلی است که قوانین خاص جنگل در آن جاری است و هر فرد، شکارگر دیگری است و ارزش انسان به میزان شکار و سهم برای او مربوط است. از کجا آورده‌ای مطرح نیست. به هرگونه که بتوان درآمد یافته بیشتری به دست آورد - بدون توجه به هزینه آن برای دیگران، جامعه و طبیعت - قابل قبول و توجه است.

منابع

۱. افشاری نادری، افسر (۱۳۷۹). "علل فساد و کجروی‌های کارمندان و مدیران اداری در ایران"، رساله دکتری، استاد راهنما: دکتر مسعود گلزاری/ استاد مشاور: دکتر هاشم منوچهر جفره، دکتر هاشم نیکومرام.
۲. امجد، محمد (۱۳۸۰). ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری، تهران، انتشارات بازار.
۳. امویی، احمد (۱۳۸۳). اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر گام نو، چاپ دوم.
۴. امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۵). ایران پس از انقلاب، (مترجم علی مرشدی‌زاد)، تهران، انتشارات بازار، چاپ دوم.
۵. خضری، محمد (۱۳۸۷). "اقتصاد سیاسی رانت‌جویی در بودجه‌ریزی دولتی ایران"، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره سوم، شماره ۴(۱۲)، ص ۳۹-۷۲.
۶. راغفر، حسین (۱۳۸۷). "اقتصاد سیاسی"، نشریه مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره ۵۸، صص ۴۵-۹.
۷. ربیعی، علی (۱۳۸۳). زنده باد فساد جامعه‌شناسی فساد در دولت‌های جهان سوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
۸. رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۰). الگویی برای توسعه اقتصادی ایران، تهران، نشر توسعه، چاپ دوم.
۹. رنایی، محسن، مویدفر (۱۳۹۷). چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد، تهران، انتشارات طرح نقد.
۱۰. زیاد لو، غلامرضا (۱۳۸۴). "بررسی عوامل مؤثر بر بروز فساد اداری در دو بخش دولتی و غیر دولتی"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما: دکتر غلامرضا معمارزاده طهران/ استاد مشاور: دکتر حیدرعلی هومن.
۱۱. سرزیم، علی (۱۳۹۶). پوپولیسیم ایرانی، تهران، نشر کرگدن.
۱۲. صادقی، حسین؛ عساری، عباس و شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۹). "اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی (رویکرد اقتصادی)"، پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۰، شماره چهارم، صص ۱۳۹-۱۷۴.

۱۳. صمصامی‌فرد، احمد (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر کیفیت زندگی کاری بر فساد اداری (مورد مطالعه منطقه ۳ شهرداری تهران)"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما: دکتر بیژن صفوی/ استاد مشاور: دکتر مهناز ربیعی.
۱۴. طوطیان اصفهانی، صدیقه (۱۳۸۹). "اثر فساد اداری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اکو"، رساله دکتری، استاد راهنما: دکتر مهدی تقوی/ استاد مشاور: دکتر ابوالحسن فقیهی، دکتر هاشم نیکومرام.
۱۵. فرخ سرشت، بهزاد (۱۳۸۲). "بررسی عوامل مؤثر در بروز فساد اداری به منظور ارائه الگویی جهت کاهش اثرات آن در روند توسعه جمهوری اسلامی"، رساله دکتری، استاد راهنما: دکتر محمدجواد عاصمی‌پور/ استاد مشاور: دکتر شمس‌السادات زاهدی، دکتر عادل آذر.
۱۶. کارشناس، مسعود و حکیمیان، حسن (۱۳۸۴). "نفث، تنوع اقتصادی و فرایند دموکراتیک در ایران"، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۴۵.
۱۷. کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۱). ایران جامعه کوتاه‌مدت، (مترجم عبدالله کوثری)، تهران، نشر نی.
۱۸. کرراهی مقدم، سیروس (۱۳۸۳). "بررسی تأثیر نظام ارزشی مدیران و مجریان بخش دولتی ایران در بروز فساد اداری و ارائه الگوی اخلاقی در جهت مقابله با فساد اداری"، رساله دکتری، استاد راهنما: دکتر غلام‌رضا معمارزاده طهران/ استاد مشاور: دکتر سیدمهدی الوانی، دکتر عادل آذر.
۱۹. مالونی، سوزان (۱۳۸۲). "بنیادهای موازی دولت و چالش توسعه در ایران"، فصلنامه گفتگو، شماره ۳۹.
۲۰. مصلی‌نژاد، غلام‌عباس (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران، تهران، نشر قومس.
۲۱. مقدم زرنندی، شهرام (۱۳۹۱). "بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری فساد اداری و پیامدهای آن در کشور"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما: دکتر علی‌اکبر رضائی/ استاد مشاور: دکتر فاطمه عزیزآبادی فراهانی.
۲۲. مومنی، فرشاد (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز، تهران، انتشارات نقش و نگار.

۲۳. نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۹۶). اقتصاد ایران چگونگی گذر از ابر چالش‌ها، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، جلد اول.
۲۴. نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۹۶). اقتصاد ایران چگونگی گذر از ابر چالش‌ها، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، جلد دوم.
۲۵. نیلی، مسعود (۱۳۹۳). "سازمان برنامه آری؛ برنامه پنج ساله خیر"، نشریه مهرنامه، سال ۵، شماره ۳۷.

26. otaghiranonline.ir/1/4/1398 فاضلی
27. etemadonline.com/31/2/98 معیدفر
28. Akerman,susan rose ,paul Carrington (2012)
29. Analysis of governance system DOJ&CD with a view to identifying shortcomings and preventing corruption, University of South Africa
30. Shiladitya,Chakraborty(2011)
31. Designing anti corruption strategy for Indian administration , Indian journal of contemporary sciences.vol21.No3
32. Moyo, Stephen(2014)
33. Corruption in Zimbabwe : an examination of the roles of the state and civil society in combating corruption, PhD, University of Central Lancashire

